

توازن قدرت: تحلیل روند تعادل رقابتی لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران و لیگ‌های برتر اروپا با استفاده از شاخص HICB

وحید ساعت‌چیان^۱، علیرضا الهی^۲، مهدی رسولی^۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۵/۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱/۲۳

چکیده

مبحث تعادل رقابتی برای مسابقات ورزشی، توجه زیادی را در رشته اقتصاد ورزش به خود جلب کرده است. تعادل رقابتی به پیش‌بینی هواداران در مورد اینکه چه تیمی برنده خواهد شد، اطلاق می‌شود. در این مقاله روند تعادل رقابتی لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران با پنج لیگ برتر اروپا (انگلستان، آلمان، فرانسه، اسپانیا و ایتالیا) مقایسه شده است. لیگ‌های ورزشی برای پویا بودن و باقی ماندن در عرصه رقابت اقتصادی در ورزش، نیازمند سطح بهینه‌ای از تعادل رقابتی هستند. بدین منظور، با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده برای دوره زمانی ۲۰۰۱-۲۰۰۹ لیگ حرفه‌ای ایران و کشورهای منتخب از شاخص تعادل رقابتی HICB در لیگ‌های مذکور محاسبه شد. نتایج نشان داد با گذشت زمان تعادل رقابتی در بین دوره‌های تمام لیگ‌ها رو به بهبود است. به‌طور کلی طی سال‌های مورد بررسی، لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران در مقایسه با سایر لیگ‌ها، از روند مطلوب‌تری در سیر تعادل رقابتی داشته است. در مقایسه این روند، لیگ انگلستان بدترین وضعیت و فرانسه بعد از ایران، بهترین وضعیت را در میان لیگ‌های منتخب داشتند. وضعیت بهتر تعادل رقابتی لیگ ایران را می‌توان به فاصله گرفتن وضعیت فوتبال ایران از حالت دو قطبی و تعادل قدرت بین تیم‌های شهرستانی و پایتخت نسبت داد؛ بنابراین به نظر می‌رسد به‌منظور داشتن لیگ پویا و جذاب لازم است، راه‌کارهایی برای حفظ تعادل رقابتی بهینه در لیگ حرفه‌ای فوتبال اندیشیده شود تا متعاقب آن صنعت فوتبال، بتواند بهره اقتصادی لازم را از این موضوع ببرد.

کلیدواژه‌های فارسی: اقتصاد ورزشی، تعادل رقابتی، لیگ حرفه‌ای فوتبال، مقایسه تطبیقی.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) Email: saatchian_65@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه خوارزمی Email: alirezaelahi@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه خوارزمی Email: mehdyrasooli@yahoo.com

مقدمه

در دنیای کنونی سازمان‌های مختلف خدماتی و تولیدی برای حفظ، بقا و توسعه باید فرآورده‌های خود را منطبق بر نیازهای مخاطبان و افراد ذی‌نفع ارائه نمایند و با توجه عمیق به مشتری و مشتری‌گرایی به کیفی سازی خدمات خود مبادرت کنند (۱). ورزش نیز یکی از مهم‌ترین مقوله‌های جوامع مدرن صنعتی است که بخش اعظمی از جمعیت هر کشور به اشکال گوناگون با آن سر و کار دارند. فعالیت‌های ورزشی بخش عمده‌ای از زندگی اجتماعی را تشکیل می‌دهد. نگاهی به روزنامه‌ها و برنامه‌های تلویزیونی نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از اطلاعات و نیز زمان افراد در هر جامعه به این مقوله (ورزش) اختصاص دارد (۲). در این میان فوتبال رایج‌ترین و پرطرفدارترین ورزش‌ها محسوب می‌شود که می‌توان لبریز بودن ورزشگاه‌ها را از تماشاچیان در دیدارهای مختلف و برخورداری رقابت‌ها را از بینندگان چند صد میلیونی پخش تلویزیونی مؤید این مطلب دانست (۳).

در ایران نیز فوتبال از محبوب‌ترین ورزش‌ها است به طوری که برای بیش از هشت دهه فوتبال در کشورمان افراد بسیاری از قشرهای مختلف جامعه و از رده‌های سنی مختلف به‌عنوان تماشاچی را به خود جلب کرده است. امروزه، فوتبال بخشی از جامعه است و روز به روز اهمیت بیشتری می‌یابد. به همین دلیل لازم است مسئولان و مدیران سازمان‌های ورزشی توجه بیشتری به این رشته داشته باشند. بسیاری از مدیران باشگاه‌ها باید در محیطی که در حال کاهش منابع درآمدی و افزایش هزینه‌های اجرایی است، برنامه‌های خود را طراحی کنند. نیاز روز افزون سازمان‌های ورزشی به منابع مالی و وابستگی رویدادهای ورزشی به تماشاچیان از یک سو و همچنین تماشای مسابقات ورزشی به‌عنوان یکی از شیوه‌های مناسب گذران اوقات فراغت و تخلیه هیجانی و روانی تماشاچیان از سوی دیگر، اهمیت توجه به تماشاچیان را به خوبی نشان می‌دهد (۴). در این زمینه اقدامات گوناگونی در جهت توسعه عوامل مؤثر بر افزایش تماشاگران تلویزیونی و حاضر در ورزشگاه انجام شده است که به‌عنوان یکی از جدیدترین موضوعات، می‌توان به اهمیت تعادل رقابتی^۱ اشاره کرد.

تعادل رقابتی از موضوعاتی که در چند سال اخیر توجه بسیاری از اقتصاددانان ورزشی را به خود جلب کرده است. ژیمانسکی^۲ (۲۰۰۱) تعادل رقابتی را پیش‌بینی هواداران در مورد اینکه چه تیمی برنده خواهد شد، تعریف می‌کند. در رقابتی کاملاً متعادل، هر شرکت‌کننده با شانس برابر بازی را شروع می‌کند؛ بنابراین نتیجه نهایی قابل پیش‌بینی نیست. اگر تعادل رقابتی وجود

1. Competitive balance
2. Szymanski

نداشته باشد، نتیجه نهایی به نفع یک شرکت‌کننده قابل پیش‌بینی خواهد بود (۵). بیشتر محققان تعادل رقابتی را از این منظر با اهمیت می‌دانند که به‌طور مستقیم با تمایل هواداران مرتبط است؛ به عبارت دیگر هر چه رویدادهای ورزشی تعادل رقابتی بهتری داشته باشند، تماشاگران بیشتری را به خود جلب خواهند کرد که این امر نشان‌دهنده ارتباط معنی‌دار و مثبت این دو است (۶-۹). براندس^۱ و فرانک^۲ (۲۰۰۱) دریافتند که هواداران، تیم دلخواه خود را به همراه برنده شدن در شرایط عدم اطمینان می‌خواهند و نتیجه‌گیری می‌کنند که اگر باشگاه‌های خوب همیشه باشگاه‌های رده پایین را شکست دهند، بیشتر مسابقات جنبه نمایشی خواهد داشت تا رقابتی و مبارزه‌ای. آن‌ها همچنین بیان کردند که در چنین شرایطی کل مسابقات ارزش بازار کمی خواهد داشت؛ بنابراین در تمامی انواع ورزش‌ها وجود حدی از عدم اطمینان رقابتی، لازم و ضروری است (۱۰). دومیزیو^۳ (۲۰۱۰) نیز در مورد تعادل رقابتی و تماشاچیان خانگی (از طریق تلویزیون) دریافت که پیش‌بینی‌پذیر نبودن مسابقات فوتبال سری آ ایتالیا، ۹۰٪ قصد تماشای بازی را برای تماشاچیان خانگی تبیین می‌کند (۱۱).

از طرفی، تمایل بیشتر هواداران به تماشای مسابقات بر منابع مختلف درآمدی صنعت فوتبال نظیر بلیت فروشی، حق پخش بازی‌ها، تبلیغات و حمایت مالی تأثیر بسزایی خواهد داشت (۶). میچی^۴ و آگتون^۵ (۲۰۰۴) نیز با تحقیق روی لیگ‌های فوتبال بیان می‌کنند که لیگ‌های ورزشی برای تداوم و پیشرفت اقتصادی، نیازمند حد بهینه‌ای از تعادل رقابتی هستند. آن‌ها در پژوهش خود دو تأثیر عمده عدم تعادل رقابتی در لیگ‌های حرفه‌ای فوتبال را برشمردند که عبارت‌اند از: ۱. تهدید ورشکستگی برای باشگاه‌های پایین لیگ و ۲. ایجاد خلأ درآمدی زیاد بین باشگاه‌های شرکت‌کننده در لیگ (۱۲).

به هر حال در میان پژوهشگران اتفاق نظر وجود دارد که تعادل رقابتی از عوامل تأثیرگذار بر مسائل درآمدی و اقتصادی لیگ‌های حرفه‌ای فوتبال است (۵، ۶، ۱۳)؛ به همین دلیل در دهه اخیر تحقیقات زیادی در این زمینه در خارج کشور انجام شده است. در جدول ۱ برخی تحقیقات انجام شده در این زمینه معرفی شده است.

با توجه به اهمیت تعادل رقابتی، براندس و فرانک (۲۰۰۶) در تحقیق خود بیان می‌کنند که معمولاً لیگ‌های حرفه‌ای تمایل دارند به سوی عدم تعادل رقابتی پیش بروند. دلیل این موضوع

-
1. Brandes. L
 2. Frank . E
 3. Di Domizio, M
 4. Michie. J
 5. Oughton. C

این است که باشگاه‌های ثروتمند و دارای منابع مالی بیشتر به‌طور روز افزون به دنبال بازیکنان برتر با قرار دادهای مالی گران‌تر هستند. در عوض، باشگاه‌های رده پایین کمتر قادر خواهند بود، بازیکنان گران‌قیمت را جذب کنند. در این میان رفته‌رفته تعادل رقابتی میان باشگاه‌ها بارزتر شده است و تعادل رقابتی لیگ کاهش می‌یابد (۱۰). از نظر این پژوهشگران، شاخص تعادل رقابتی به همراه سایر عوامل اساسی چون انگیزه‌های تماشاگران، امکانات و تجهیزات، جذابیت مسابقه و امثال آن می‌تواند به منزله شاخصی مهم برای پیش‌بینی میزان تماشاگران (تلویزیونی و حضوری) مسابقات به حساب آید (۱۰). ساعت چیان و الهی (۱۳۸۸) در تحقیق خود انگیزه هیجانی را از مهم‌ترین انگیزه‌های حضور تماشاگران در ورزشگاه برشمردند (۲)؛ از این رو وجود تعادل رقابتی در کنار سایر عوامل تأثیرگذار می‌تواند به بهبود وضعیت درآمدزایی باشگاه‌ها و لیگ‌های فوتبال و متعاقب آن رشد اقتصادی صنعت فوتبال کمک نماید.

مروری بر ادبیات موضوع تعادل رقابتی بیانگر آن است که روش‌های متعددی برای محاسبه شاخص تعادل رقابتی پیشنهاد شده است. فرمول‌های پیشنهادی محققان مختلف به صورتی است که با در نظر داشتن جدول امتیازات کلیه باشگاه‌های لیگ می‌توان این شاخص را محاسبه نمود (۱۲، ۱۷). با توجه به مطالب ذکر شده روشن است که وجود تعادل رقابتی در هر لیگ ورزشی ضروری است تا با حفظ هیجان مسابقات به استقبال بیشتر تماشاچیان و در نتیجه افزایش درآمد باشگاه‌ها منجر شده، موجب افزایش دامنه حمایت مالی حامیان از تیم‌ها می‌شود و حضور بخش خصوصی را در حمایت از صنعت ورزش پر رنگ‌تر می‌نماید. پس می‌توان بیان کرد که آگاهی از این عامل و کنترل آن برای مدیران باشگاه‌ها و مسئولان فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ ضروری است. در همین زمینه انجام تحقیقاتی با محوریت مقایسه تعادل رقابتی لیگ ایران با لیگ‌های منتخب می‌تواند راه‌کارهای موجود و بهینه در سایر لیگ‌ها را بازگو کند تا در نتیجه آن بتوان در جهت بهبود وضعیت لیگ فوتبال کشور گام برداشت؛ از این رو هدف از انجام این تحقیق، مقایسه روند تعادل رقابتی لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران با کشورهای منتخب ایتالیا، فرانسه، اسپانیا، آلمان و انگلستان مقارن با شروع لیگ حرفه‌ای فوتبال در ایران است.

جدول ۱. برخی تحقیقات داخلی و خارجی انجام شده در زمینه تعادل رقابتی

| | |
|---|---------------------------------------|
| در تحقیق خود به بررسی موانع و راه‌کارهای توسعه اقتصادی صنعت فوتبال ایران پرداخت. وی نبود تعادل رقابتی بهینه را در لیگ حرفه‌ای فوتبال کشور مانعی پیش روی توسعه هواداران و درآمدهای حاصل از آن در صنعت فوتبال کشور دانست. به‌طوری که وضعیت موجود مسابقات لیگ حرفه‌ای حاکی از دو قطبی بودن فوتبال کشور و توجه بیش از حد مدیریت ورزش و فوتبال ایران به دو باشگاه بزرگ پایتخت است (۶). | الهی (۱۳۸۷) |
| در بررسی تعادل رقابتی در لیگ فوتبال آلمان به این نتایج دست یافت که تعادل رقابتی ابتدا در دهه ۱۹۶۰ کاهش داشته و سپس در دهه ۱۹۷۰ رو به افزایش بوده است و در ادامه، تا سال ۱۹۹۰ روند مشخصی مشاهده نشد. همچنین بررسی حکمرانی تیم‌ها نشان داد که تیم‌های بزرگ همیشه پیروز بوده‌اند (۱۴). | کونینگ ^۱ (۱۹۹۰) |
| با تحقیق روی پنج لیگ برتر فوتبال اروپا دریافتند که در لیگ فوتبال انگلیس طی سال‌های ۱۹۴۷ تا ۲۰۰۴، تعادل رقابتی طی زمان کاهشی چشمگیر داشته است. این اتفاق مشابه در لیگ‌های آلمان و ایتالیا نیز روی داده است. در فرانسه تا سال ۱۹۹۲ روند خاصی مشاهده نشد، اما پس از آن افزایش در شاخص‌ها مشاهده شد. همچنین لیگ اسپانیا، الگوی دایره‌وار با بهبود ناچیزی در تعادل رقابتی را بین سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۷۶ داشته است و مقدار جزئی کاهش از آن تاریخ به بعد بود (۱۲). | میچی و آگتود (۲۰۰۴) |
| در بررسی تعادل رقابتی کشورهای آلمان، فرانسه، پرتغال، بلژیک و انگلیس به این نتیجه دست یافت که در لیگ فوتبال آلمان و فرانسه روند قابل ملاحظه‌ای مشاهده نشد. در بلژیک و انگلستان کاهش تعادل رقابتی را نشان دادند و پرتغال تنها کشوری بود که افزایش تعادل رقابتی داشت (۱۵). | گوسنس ^۲ (۲۰۰۶) |
| در مقایسه تعادل رقابتی در لیگ‌های برتر فوتبال کشورهای ایران، انگلستان، آلمان، اسپانیا، فرانسه و ایتالیا در فصل ۲۰۰۹-۲۰۱۰ به این نتیجه رسیدند که بر اساس شاخص CSICB لیگ ایران متعادل‌ترین و لیگ اسپانیا نامتعادل‌ترین لیگ فوتبال است و در بین آن‌ها به ترتیب لیگ‌های فوتبال آلمان، فرانسه، ایتالیا و انگلیس قرار داشتند (۱۶). | نقش بندی، یوسفی، بروجردی (۲۰۱۰) |
| در پژوهشی با عنوان «تعادل رقابتی در لیگ بسکتبال زنان و مردان در مسابقات بین دانشگاهی آمریکا» دریافتند که شاخص تعادل رقابتی در لیگ مردان بالاتر از لیگ زنان است. آن‌ها علت این موضوع را بیشتر بودن دستمزد مردان در مقایسه با زنان ذکر کردند (۱۷). | پرلین و استولد ^۳ (۲۰۱۱) |
| آمار سازمان لیگ فوتبال این کشور نشان می‌دهد که در ۱۰ سال اخیر، تنها سه تیم به مقام قهرمانی دست یافته‌اند به‌طوری که منچستر یونایتد پنج بار، چلسی سه بار و آرسنال دو بار قهرمان شده‌اند (۱۸). | سازمان لیگ انگلستان (۲۰۱۱) |
| بررسی اجمالی چهار لیگ برتر اروپا نشان‌دهنده تعادل رقابتی ضعیف در کشورهای ایتالیا، فرانسه، اسپانیا و آلمان است به‌طوری که طی ۱۰ سال گذشته در ایتالیا تنها سه تیم قهرمان شده‌اند (اینتر پنج بار، رم دو بار و یوونتوس سه بار)، در فرانسه چهار تیم (لیون هفت بار، مارسلی یک بار، بوردو یک بار و نانس یک بار)، در لیگ اسپانیا سه تیم (رئال مادرید چهار بار، بارسلونا چهار بار، والنسیا دو بار) و در نهایت در لیگ آلمان چهار تیم (بایرن مونیخ شش بار، دورتمند دو بار، اشتوتگارد یک بار، وولفسبورگ یک بار) به مقام قهرمانی لیگ دست یافته‌اند (۱۹). | سایت آمار و ارقام فوتبال اروپا (۲۰۱۱) |

1. Koning, R
2. Goossens
3. Perline, M & Stoldt, C

روش‌شناسی پژوهش

روش انجام این پژوهش از نوع توصیفی است. اطلاعات مورد نیاز پژوهش از بخش آمار و اطلاعات سازمان لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران و سایت‌های معتبر خارجی دریافت شد (۱۹). در این خصوص جداول مسابقات لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران و کشورهای منتخب ایتالیا، فرانسه، اسپانیا، آلمان و انگلستان مقارن با شروع لیگ حرفه‌ای فوتبال در ایران که شامل: تعداد تیم‌ها، امتیازات و تعداد برد و باخت تیم‌های حاضر در لیگ‌های برتر فوتبال بود، جمع‌آوری شد. تجزیه و تحلیل داده‌های جداول لیگ، با استفاده از شاخص تعیین تعادل رقابتی لیگ‌های ورزشی استخراج شده از ادبیات و تحقیقات پژوهش انجام پذیرفت (۱۷). این شاخص شامل $HICB$ است که در زیر به آن اشاره شده است.

با توجه به اینکه لیگ‌های مورد مقایسه در این تحقیق برابر نبود، از شاخص تعدیل شده $HICB$ استفاده می‌شود که نسبت به تفاوت در تعداد تیم‌های لیگ حساس نیست. با توجه به فرمول آن می‌توان لیگ‌هایی با تعداد تیم‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه کرد. گفتنی است، هر چه مقدار این شاخص کمتر باشد، نشان‌دهنده وضعیت بهتر لیگ از لحاظ تعادل رقابتی است (۱۷).

$$HICB = \frac{H}{1/N} \times 100$$

در فرمول فوق، H به بیان عدم برابری بین تمامی تیم‌های حاضر در لیگ می‌پردازد. روش محاسبه آن بدین صورت است:

H = (مجموع سهم امتیازات هر باشگاه در یک فصل) = H (هر فریندال).

N نیز مربوط به تعداد تیم‌های حاضر در لیگ است.

جدول ۲. محاسبه $HICB$ به عنوان نمونه برای سال ۱۳۰۹ ایران

| | | | | | | | | | |
|---------------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|
| امتیاز تیم‌ها | ۳۲ | ۵۹ | ۳۰ | ۵۲ | ۳۸ | ۵۳ | ۴۱ | ۴۷ | ۶۱ |
| سهم امتیازات | ۰/۰۰۱۵ | ۰/۰۰۵۳ | ۰/۰۰۱۴ | ۰/۰۰۴۱ | ۰/۰۰۲۸ | ۰/۰۰۴۲ | ۰/۰۰۲۵ | ۰/۰۰۳۳ | ۰/۰۰۵۶ |
| امتیاز تیم‌ها | ۳۸ | ۴۶ | ۶۷ | ۳۹ | ۴۸ | ۳۷ | ۴۲ | ۴۱ | ۴۲ |
| سهم امتیازات | ۰/۰۰۲۲ | ۰/۰۰۳۲ | ۰/۰۰۶۸ | ۰/۰۰۲۳ | ۰/۰۰۳۵ | ۰/۰۰۲۱ | ۰/۰۰۲۷ | ۰/۰۰۲۵ | ۰/۰۰۲۷ |

جمع کل امتیازات اخذ شده تیم‌ها = ۸۱۳

مجموع سهم امتیازات تیم‌ها = 0.0581343 تعداد تیم‌ها = ۱۸

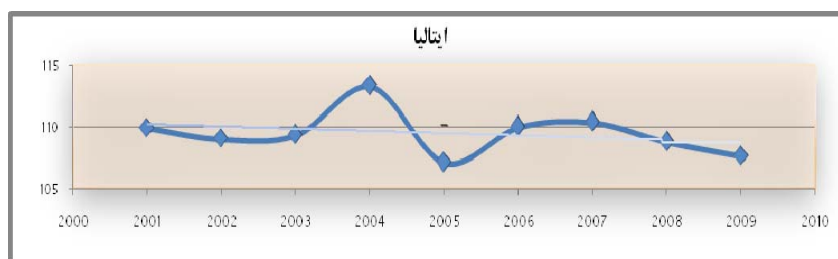
$$HICB = 0.0581343 / 1/18 = 104.6418$$

یافته‌ها

جدول ۲. شاخص HICB در کشورهای منتخب از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹

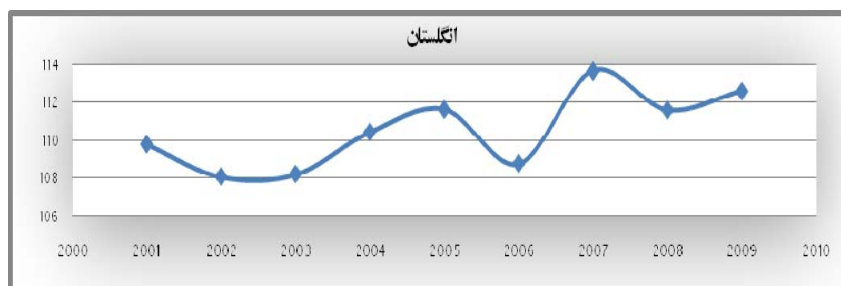
| کشور سال | اسپانیا | انگلستان | ایران | آلمان | ایتالیا | فرانسه |
|-------------|---------|----------|--------|--------|---------|--------|
| ۲۰۰۱ | ۱۰۳/۹۸ | ۱۰۹/۸ | ۱۰۷/۹۳ | ۱۰۹/۶۱ | ۱۰۹/۸۹ | ۱۰۴/۸۵ |
| ۲۰۰۲ | ۱۰۵/۷۷ | ۱۰۸/۰۹ | ۱۰۴/۷۵ | ۱۰۵/۳۲ | ۱۰۹/۰۴ | ۱۰۵/۱۶ |
| ۲۰۰۳ | ۱۰۵/۴۹ | ۱۰۸/۲۲ | ۱۰۸/۷۵ | ۱۰۸/۶۹ | ۱۰۹/۳۸ | ۱۰۶/۸۷ |
| ۲۰۰۴ | ۱۰۷/۲۴ | ۱۱۰/۴۵ | ۱۰۹/۳۲ | ۱۰۸/۱۴ | ۱۱۳/۳۳ | ۱۰۳/۹۶ |
| ۲۰۰۵ | ۱۰۷/۶۳ | ۱۱۱/۶۵ | ۱۰۷/۶۲ | ۱۰۹/۱۴ | ۱۰۷/۱۴ | ۱۰۶/۷۴ |
| ۲۰۰۶ | ۱۰۶/۳۵ | ۱۰۸/۷۹ | ۱۰۶/۵۸ | ۱۰۶/۴۹ | ۱۱۰/۰۲ | ۱۰۴/۰۳ |
| ۲۰۰۷ | ۱۰۶/۹۶ | ۱۱۳/۶۹ | ۱۰۳/۶۳ | ۱۰۷/۴ | ۱۱۰/۳۹ | ۱۰۵/۹۵ |
| ۲۰۰۸ | ۱۰۷/۱۷ | ۱۱۱/۶۲ | ۱۰۴/۴۳ | ۱۰۹/۱۳ | ۱۰۸/۸ | ۱۰۷/۸۱ |
| ۲۰۰۹ | ۱۱۲/۰۴ | ۱۱۲/۶۳ | ۱۰۴/۶۴ | ۱۰۷/۹ | ۱۰۷/۶۶ | ۱۰۷/۹۶ |

در جدول ۲ به محاسبه شاخص HICB در لیگ‌های فوتبال کشورهای منتخب پرداخته شده است. از آنجا که تعداد تیم‌های لیگ‌های این کشورها با یکدیگر متفاوت بود، استفاده از این شاخص در این مورد مناسب است. این شاخص علاوه بر اینکه تعادل رقابتی را در کل لیگ نشان می‌دهد، نسبت به تعداد تیم‌ها نیز حساس نیست؛ بنابراین شاخص مناسبی محسوب می‌شود.



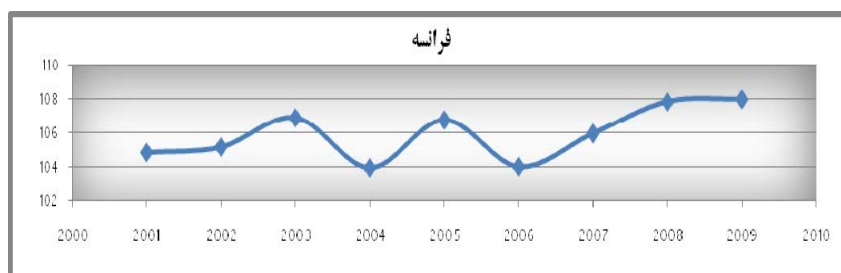
شکل ۱. روند تعادل رقابتی در لیگ ایتالیا بر اساس شاخص HICB

همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، سیر منحنی HICB لیگ ایتالیا در سال ۲۰۰۴ بیشترین میزان (۱۱۳,۳۳) را داشته که نشان دهنده بدترین وضعیت و در سال ۲۰۰۵ با کمترین میزان (۱۰۷/۱۴)، بهترین وضعیت تعادل رقابتی را طی ۱۰ سال اخیر داشته است.



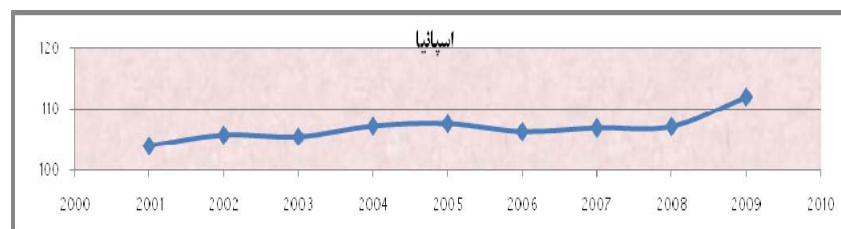
شکل ۲. روند تعادل رقابتی در لیگ انگلستان بر اساس شاخص HICB

همان‌طور که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، سیر منحنی HICB لیگ انگلستان در سال ۲۰۰۷ بیشترین میزان (۱۱۳/۶۷) را داشته که نشان‌دهنده بدترین وضعیت و در سال ۲۰۰۲ با کمترین میزان (۱۰۸/۰۹)، بهترین وضعیت تعادل رقابتی را طی ۱۰ سال اخیر داشته است.



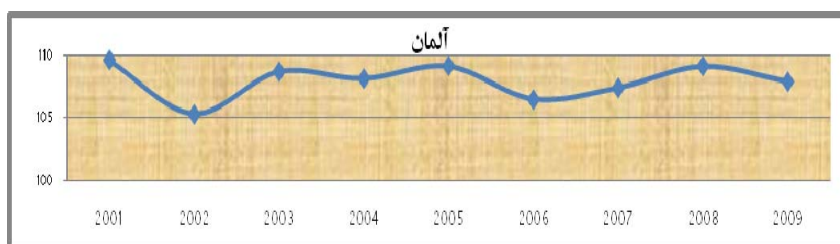
شکل ۳. روند تعادل رقابتی در لیگ فرانسه بر اساس شاخص HICB

همان‌طور که در شکل ۳ مشاهده می‌شود، سیر منحنی HICB لیگ فرانسه در سال ۲۰۰۹ بیشترین میزان (۱۰۷/۹۶) را داشته که نشان‌دهنده بدترین وضعیت و در سال ۲۰۰۴ با کمترین میزان (۱۰۳/۹۶)، بهترین وضعیت تعادل رقابتی را طی ۱۰ سال اخیر داشته است.



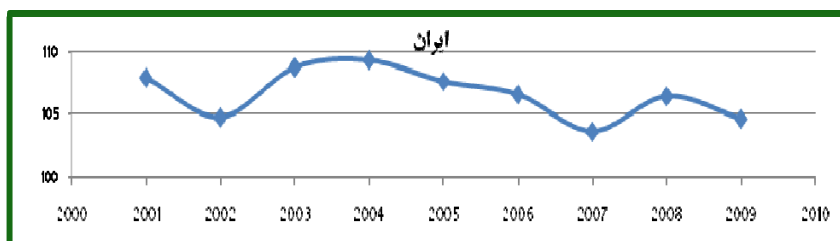
شکل ۴. روند تعادل رقابتی در لیگ اسپانیا بر اساس شاخص HICB

همان‌طور که در شکل ۴ مشاهده می‌شود، سیر منحنی HICB لیگ اسپانیا در سال ۲۰۰۹ بیشترین میزان (۱۱۲/۰۴) را داشته که نشان‌دهنده بدترین وضعیت و در سال ۲۰۰۱ با کمترین میزان (۱۰۳/۹۸)، بهترین وضعیت تعادل رقابتی را طی ۱۰ سال اخیر داشته است.



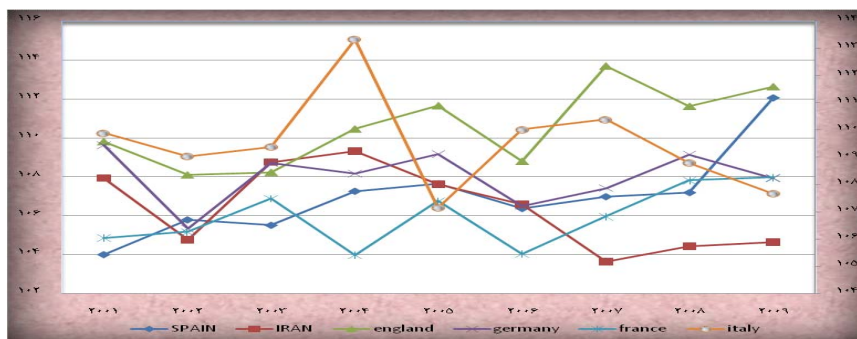
شکل ۵. روند تعادل رقابتی در لیگ آلمان بر اساس شاخص HICB

همان‌طور که در شکل ۵ مشاهده می‌شود، سیر منحنی HICB لیگ آلمان در سال ۲۰۰۱ بیشترین میزان (۱۰۹/۶۱) را داشته که نشان‌دهنده بدترین وضعیت و در سال ۲۰۰۲ با کمترین میزان (۱۰۵/۳۲)، بهترین وضعیت تعادل رقابتی را طی ۱۰ سال اخیر داشته است.



شکل ۶. روند تعادل رقابتی در لیگ ایران بر اساس شاخص HICB

همان‌طور که در شکل ۶ مشاهده می‌شود، سیر منحنی HICB لیگ ایران در سال ۲۰۰۴ بیشترین میزان (۱۰۹/۳۲) را داشته که نشان‌دهنده بدترین وضعیت و در سال ۲۰۰۷ با کمترین میزان (۱۰۳/۶۳)، بهترین وضعیت تعادل رقابتی را طی ۱۰ سال اخیر داشته است.



شکل ۷. مقایسه منحنی‌های HICB لیگ‌های فوتبال کشورهای منتخب

همان‌طور که در شکل ۷ مشاهده می‌شود، به‌طور کلی طی سال‌های مورد بررسی، لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران در مقایسه با سایر لیگ‌ها، روند مطلوب‌تری در سیر تعادل رقابتی دارد به‌طوری که از سال ۲۰۰۴ با سیر نزولی محسوس‌تری رو به رو بوده است. در این نمودار، لیگ انگلستان بدترین وضعیت و فرانسه بعد از ایران، بهترین وضعیت را در بین لیگ‌های منتخب مورد بررسی داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این مقاله، مقایسه روند تعادل رقابتی لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران طی ۹ دوره (سال‌های ۱۳۸۰ - ۱۳۸۹) از برگزاری این مسابقات با لیگ‌های برتر فوتبال اروپا (انگلیس، فرانسه، آلمان، ایتالیا و اسپانیا) با استفاده از شاخص HICB است. بدین منظور ضمن بررسی تاریخچه جدول لیگ برتر ایران و کشورهای منتخب و مرور برخی از مطالعات انجام شده، با بهره‌گیری از شاخص آماری تعادل رقابتی از مطالعات انجام شده (شاخص HICB)، روند تعادل رقابتی ادوار گذشته لیگ‌های برتر در کشورهای نام برده محاسبه شد.

در بررسی روند تعادل رقابتی در سری A فوتبال ایتالیا (شکل ۱) مشاهده می‌شود که سیر منحنی HICB بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ با فراز و نشیب‌های کمی روبه‌رو بوده است. این روند به‌جز سال ۲۰۰۴ که بیشترین میزان عدم تعادل و سال ۲۰۰۵ که کمترین میزان آن را نشان می‌دهد سیری یکنواختی دارد، به‌ویژه در سال‌های اخیر می‌توان سیر نزولی منحنی و کاهش تعادل رقابتی را مشاهده نمود. این یافته با نتیجه تحقیق دومیزیو (۲۰۱۰) همخوانی دارد (۱۱). علت افزایش نابرابری در سال ۲۰۰۴ را می‌توان به رسوایی اخلاقی چهار تیم معروف این لیگ نسبت داد (۲۵) به‌طوری که در همان سال با روشن شدن این قضیه، باشگاه‌های

یوونتوس، فیورنتینا، لاتزیو و آ.ث. میلان با مجازات‌های سنگینی رو به رو شدند. باشگاه یوونتوس که در این سال به مقام قهرمانی دست یافته بود به این موارد محکوم شد: سقوط به دسته B، کسر ۳۰ امتیاز برای فصل بعد، پس گرفتن قهرمانی سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶، محرومیت از رقابت‌های فصل ۲۰۰۶-۲۰۰۷ لیگ قهرمانان، پنج سال محرومیت برای مدیر کل سابق لوسیانو موجیو و پنج سال محرومیت برای مدیر اجرایی سابق آنتونیو جیراودو. برای سایر تیم‌ها مجازات‌ها بدین گونه بود: فیورنتینا و لاتزیو به دسته B رفتند. فیورنتینا فصل را با ۱۲- و لاتزیو با ۷- آغاز کرد. باشگاه آ.ث. میلان سقوط نکرد، اما فصل را با ۱۵- امتیاز شروع کرد؛ بنابراین می‌توان کاهش ناگهانی منحنی و افزایش تعادل رقابتی را در فصل بعد (۲۰۰۵) بدین گونه توجیه نمود که فقدان تیم‌های قدرتمند به توزیع برابر امتیازات بین سایر تیم‌ها منجر شد که نتیجه آن بهبود روند تعادل رقابتی در این فصل بود.

بررسی روند تعادل رقابتی در لیگ انگلستان (شکل ۲) با وجود اینکه روند خاصی را نشان نمی‌دهد، به‌طور کلی لیگ برتر طی ۱۰ سال با عدم تعادل رقابتی (سیر صعودی) زیاد همراه بوده است. این یافته با نتایج میچی و آگتون (۲۰۰۴) همخوانی دارد (۱۲). علت آن را می‌توان در وجود تیم‌های ثروتمندی مانند منچستر، آرسنال، چلسی و لیورپول بیان کرد که با افزایش فاصله سطح درآمدی خود نسبت به سایر تیم‌ها، موجب نابرابری تعادل لیگ شده‌اند. به نظر می‌رسد این فاصله برای سال‌های متممادی به‌جا خواهد ماند.

با وجود اینکه نمی‌توان به روند خاصی در منحنی تعادل رقابتی کشور فرانسه اشاره کرد (شکل ۳)، سیر صعودی آن در سال‌های اخیر نشان‌دهنده افزایش نابرابری در این لیگ (لاشامپیونه) است. این یافته با نتایج گوسنس (۲۰۰۶) همخوانی دارد (۱۵).

بررسی شکل ۴ در مورد لیگ اسپانیا نشانگر این قضیه است که تیم‌های بزرگی مانند رئال مادرید و بارسلونا که در سال‌های اخیر مقام‌های قهرمانی زیادی در لالیگا و جام‌های اروپایی به‌دست آورده‌اند، منحنی تعادل رقابتی روند تقریباً یکسانی داشته و روند محسوس افت و اوج در منحنی آن‌ها مشاهده نمی‌شود. با این حال روندی افزایشی را طی ۱۰ دوره اخیر می‌توان مشاهده کرد که بیانگر افزایش نابرابری در لالیگا است.

در لیگ آلمان با توجه به اینکه روندی سینوسی شکل دیده می‌شود که با افزایش و کاهش پیاپی طی ۱۰ دوره همراه بوده است، میانگین سطح نمودار طی این سال‌ها به‌طور کلی بالا بوده است. این روند نشان‌دهنده عدم تعادل در بوندس لیگاست (شکل ۵). این یافته با نتایج کونینگ (۱۹۹۰) و گوسنس (۲۰۰۶) همخوانی دارد (۱۵).

بر اساس منحنی HICB لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران (شکل ۶)، به‌طور کلی می‌توان مطرح کرد

که از آغاز لیگ برتر تا کنون، فوتبال ایران با بهبود وضعیت تعادل رقابتی مواجه بوده است. این امر به نزدیک شدن توان رقابتی تیم‌ها منجر شده؛ در نتیجه توانایی پیش بینی نتایج مسابقات را دشوارتر نموده است به طوری که نمی‌توان تیمی را از پیش، برنده مسابقه و یا قهرمان لیگ دانست. این یافته با نتایج نقشبندی و همکاران (۲۰۱۰) همخوانی دارد (۱۶).

در مقایسه روند تعادل رقابتی بین لیگ ایران و پنج لیگ برتر اروپا (شکل ۷) می‌توان مشاهده نمود که لیگ ایران با بیشترین روند کاهشی مواجه بوده است به طوری که در سال ۲۰۰۷ کمترین میزان منحنی و بیشترین میزان تعادل رقابتی را در میان کلیه لیگ‌ها دارا بوده است. در این راستا، نقشبندی و همکاران (۲۰۱۰) این روند را در سال ۲۰۰۹ یافتند و میچی و آگنون (۲۰۰۴) نیز کاهش تعادل رقابتی را در لیگ‌های انگلیس، آلمان و ایتالیا گزارش کردند، ولی در فرانسه و اسپانیا روند مشخصی را مشاهده نکردند (۱۶، ۱۲). مقایسه پنج لیگ برتر اروپا نشان داد انگلستان بالاترین سطح نابرابری را در لیگ خود دارد و بعد از آن لیگ کشورهای ایتالیا، آلمان، اسپانیا و فرانسه قرار دارند. علت این پدیده را می‌توان در میزان درآمدها و ثروت باشگاه‌های کشورهای مذکور جستجو کرد. این یافته با نتایج براندس و فرانک (۲۰۰۶) همخوانی دارد (۱۰) به طوری که طبق آمار گزارش شده، در بین ۲۰ باشگاه ثروتمند دنیا، ۷ تیم از انگلستان، ۴ تیم از آلمان، ۴ تیم از ایتالیا، ۳ تیم از اسپانیا و ۲ تیم از فرانسه مشاهده می‌شود (۶).

بر همین اساس با افزایش ثروت باشگاه‌ها، توانایی خرید و جذب بازیکنان و کادر فنی مجرب بیشتر می‌شود و همچنین از امکانات پیشرفته‌تری بهره‌مند خواهند بود. با توجه به اینکه لیگ انگلستان بیشترین تعداد تیم‌های ثروتمند در این رده بندی را داراست، این امر موجب فاصله گرفتن قدرت این باشگاه‌ها از سایر تیم‌ها و در نتیجه، اختلاف امتیازات می‌شود. بررسی تیم‌های حاضر در مراحل نهایی لیگ قهرمانان اروپا نیز نشان می‌دهد، به جز سال ۲۰۰۹ در پنج دوره گذشته، همواره تیم‌های باشگاهی انگلیسی در فینال حضور داشته‌اند. این مسئله به درآمدزایی بیشتر این باشگاه‌ها از طریق فروش حق پخش تلویزیونی، بلیت فروشی، اسپانسرها، تبلیغات و فروش محصولات منجر شده است. در این زمینه می‌توان به روی آوردن اسپانسرها و افراد ثروتمند به مالکیت این باشگاه‌ها مانند منچستر یونایتد (مالکان آمریکایی گلیرز)، چلسی (مالک روسی آبراموویچ)، منچستر سیتی (مالک اماراتی سلیمان فهیم) و اسپانسر آرسنال (خطوط هوایی امارات) اشاره کرد که علاوه بر کاهش سطح تعادل رقابتی، در نهایت به افزایش سطح HICB لیگ برتر جزیره نسبت به سایر لیگ‌های اروپایی منجر شده است. این روند را می‌توان به سایر لیگ‌های مورد مقایسه تعمیم داد، به طوری که با کاهش تعداد تیم‌های ثروتمند، لیگ

فوتبال حالت متعادل‌تری پیدا کرده است. در این مقایسه، لیگ‌های سری A (کالچیو)، بوندس لیگا، لالیگا و لاشامپیونه قرار می‌گیرند. توجه مشابهی را برای لیگ ایتالیا با دو و لیگ اسپانیا با سه عنوان قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا می‌توان بیان نمود.

از دیگر عوامل کاهش تعادل رقابتی لیگ‌ها را می‌توان برقراری سیاست‌ها و مقررات از سوی سازمان لیگ بیان کرد. این مقررات در زمینه‌های تقسیم عادلانه درآمد‌های حاصل از بلیت فروشی، حق پخش رسانه‌ای و محدودیت پرداخت دستمزد برقرار می‌شود تا امکان رشد برای باشگاه‌های ضعیف‌تر نیز فراهم شود. نمونه این مقررات را در لیگ فوتبال ژاپن و سازمان لیگ فوتبال ایران در مورد محدودیت استفاده از بازیکنان خارجی و سقف قرارداد بازیکنان می‌توان مشاهده نمود (۲۲-۲۴). با وجود اینکه کاهش تعادل رقابتی در میان تیم‌های لیگ نشانی از توازن قدرت تیم‌ها و در نتیجه جذاب‌تر شدن مسابقات است، این شاخص به‌تنهایی نمی‌تواند تأثیرگذار باشد و در کنار وجود تعادل در لیگ، عواملی مانند وجود بازیکنان و مربیان مطرح، کیفیت مسابقات، استادیوم‌های مناسب، خدمات جانبی ارائه شده به تماشاگران، زمان‌بندی برگزاری مسابقات و کانون‌های هواداران می‌تواند بر جذابیت بازی‌ها بیفزاید، نتیجه آن با افزایش قیمت حق پخش تلویزیونی و جذب اسپانسرهاست که به افزایش درآمد‌های لیگ منجر شده، به پویا شدن لیگ کمک می‌کند. براندس و فرانک (۲۰۰۶)، الهی (۱۳۸۷) و پرلین و استولد (۲۰۱۱) در تحقیق خود این موضوع اشاره کرده‌اند (۱۰، ۶، ۱۷)؛ بنابراین با وجود بهتر بودن شرایط تعادل رقابتی لیگ ایران، این موضوع دلیلی بر جذاب‌تر بودن مسابقات آن نیست. با این حال سازمان لیگ باید از این موضوع نهایت استفاده را برده، شرایط را برای خصوصی‌سازی و درآمدزایی باشگاه‌ها فراهم آورد تا همه در شرایطی عادلانه و مساوی به رقابت بپردازند.

در نهایت، با وجود اینکه تعادل رقابتی شاخص مناسبی برای نشان دادن جذابیت بازی‌های لیگ است، برای ارتقای سطح کیفی مسابقات و بهبود درآمدزایی باشگاه‌ها و لیگ فوتبال شرایط دیگری مورد نیاز است. تعادل رقابتی با ایجاد توازن قدرت در میان تیم‌ها و نیز به‌وجود آوردن شرایط عدم اطمینان به تمایل بیشتر هواداران به تماشای مسابقات منجر می‌شود. این تمایل بیشتر به حضور در ورزشگاه‌ها موجب افزایش سطح درآمد باشگاه‌ها از طریق بلیت فروشی و افزایش حق پخش مسابقات می‌شود که می‌تواند عاملی برای جذب بیشتر حامیان مالی باشگاه‌ها باشد. از طرف دیگر، برای اینکه شرایط مطلوب برای رشد تمامی باشگاه‌ها فراهم شود، باید راه‌کارهایی در جهت خصوصی‌سازی و افزایش راه‌های درآمدزایی باشگاه‌ها لیگ فوتبال کشور اندیشید. در این صورت بین باشگاه‌های کشور تبعیضی در استفاده از سرمایه‌ها و امکانات دولتی وجود نخواهد داشت و امکان رشد یکسان برای تمامی تیم‌ها با توجه استعدادهای آن‌ها

فراهم می‌شود. برقراری قوانینی مانند حق پخش تلویزیونی که از سال ۱۳۸۷ با فشارهای AFC برای تیم‌های لیگ برتری به وجود آمد، ایجاد شرایطی برای امکان صحنه‌گذاری تیم‌ها و بازیکنان آن‌ها و کسب درآمد از این طریق، برقراری قوانین حق مؤلف در کشور تا باشگاه‌ها بتوانند از طریق فروش محصولات خود درآمد کسب کنند، می‌توانند راه‌حلی برای تقویت مالی تیم‌ها باشند تا تیم‌های کشور بتوانند با سرمایه‌گذاری بیشتر روی بازیکنان و مربیان خود در سطح آسیا نیز به افتخارات بیشتری دست یابند.

منابع:

۱. ساعت‌چیان، وحید. رسولی، مهدی. الهی، علیرضا. (۱۳۸۹). ارتباط کیفیت خدمات، رضایت‌مندی و وفاداری بر قصد حضور آتی مشتریان مراکز آمادگی جسمانی و ایروبیک، خلاصه مقالات اولین همایش بین‌المللی آمادگی جسمانی و ایروبیک، دانشگاه شهید بهشتی.
۲. بختیاری، محمد (۱۳۸۸). بررسی میزان رضایتمندی تماشاچیان لیگ برتر فوتبال از ارائه خدمات گوناگون، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تربیت بدنی، چاپ نشده، دانشگاه تهران.
۳. ساعت‌چیان، وحید. الهی، علیرضا. (۱۳۸۹). اولویت بندی و شناخت ارتباط بین انگیزه‌ها و عوامل موثر بر حضور هواداران: مطالعه موردی شهرآورد تهران، نشریه پژوهش در علوم ورزشی (در دست چاپ)، تهران.
۴. صادقی، حسین. اصغریور، حسین. گلچین فر، نازی (۱۳۸۸). تخمین تابع تقاضای تماشای لیگ برتر فوتبال ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره سوم، ص: ۱۸۳-۲۰۲.
5. Szymanski, S (2001), Income inequality, competitive balance and the attractiveness of team sports : some evidence and a natural experiment from English soccer , The Economic Journal , 111, 69-84.
۶. الهی، علیرضا. (۱۳۸۷). موانع و راه‌کارهای توسعه اقتصادی صنعت فوتبال ایران. رساله دکتری، دانشگاه تهران.
7. Forrest. D & Simmons .R (2002), Outcome uncertainty and attendance demand in sport: The case of English soccer, The Statistician, 51(2), 229-241.
8. Borland,J&MacDonald,R (2003) , Demand for sport , Oxford Review of Economic Policy, 19 (4), 478-502.
9. Soebbing, B. (2008) Competitive balance and attendance in major league baseball: an empirical test of the uncertainty of outcome hypothesis. International Journal of Sport Finance, 3.119-126.

10. Brandes.L & Frank. E (2006) , How fans improve competitive balance : An empirical analysis of the German Bundesliga , University of Zurich , Institute for strategy and business economics, Working Paper No.41 , <http://econpapers.respec.org>
11. Di Domizio, M, (2010) Competitive Balance and TV Audience: An Empirical Analysis from Italian Football League. Abstract Book of 10 th Annual International Conference on Sports :Economic, Management, Marketing & Social Aspects: Athens, Greece.
12. Michie.J & Oughton.C (2004) , Competitive balance in football : Trends and effects, University of Landon, Football Governance Research Centre, research paper 2004 no.2, www.football-research.bbk.ac.uk
13. Levin,M. (2006), the value of competition: competitive balance as predictor of attendance in spectator sports, International Journal of Sports Marketing and Sponsorship, 11 (1), 7-24.
14. Koning. N (1990) Competitive balance in Dutch Soccer .[Http://www.slaoll.nl/rnkoning](http://www.slaoll.nl/rnkoning).
15. Goossens. K. (2006). Competitive balance and match uncertainty in Grand-Slam tennis. Journal of Sport Economics, 10 (6).563-581.
16. Naghshbandi. S, Yoosefy. B, Boroujrdi. S (2010). The comparisons of competitive balance in football premier leagues of Iran, England, Germany, Spain, France and Italy in 2009-2010 seasion.11 th Annual International Conference on Sports: Antalya, Turkey.
17. Perline, M. Stoldt, C (2011). Competitive balance in men's and women's basketball: the cost of the Missouri valley conference. The Sport Journal ISSN, Vol: 13.PP 1543-1589.
18. <http://www.premierleague.com/page/LeagueTables/0,,12306,00.html>.
19. http://soccernet.espn.go.com/tables/_/league.
۲۰. فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران ، اساسنامه فدراسیون ، تدوین هیئت رئیسه انتقالی و مصوب هیئت دولت ، نشر بیان آزادی ، چاپ اول، خرداد ۱۳۸۶ .
۲۱. فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران ، آیین نامه سازمان لیگ حرفه ای فوتبال .
22. J. League Handbook (2004), Japan Professional Football League.
23. Japan Football Association (JFA) (1999), *Agreement, Registration and Transfer of Professional Football Players*.
24. JFA Guidebook, (2001-2002) Japan Football Association.

25. Deloitte and Touche (2010), Annual Review of Football Finance, July 2010.
26. Deloitte and Touche (2006), Annual review of football finance: Highlights, Manchester, www.deloitte.com/dt/press_release.